

به نام خدا

## سخنرانی مراسم فارغ التحصیلی سال ۱۳۸۵

کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد

معلوم شد که هیچ معلوم نشد

(خواجه نصیرالدین طوسی)

گفتم که دلم ز علم محروم نشد

اکنون که به چشم عقل من می نگرم

رییس محترم دانشگاه، استادان ارجمند، دانش‌آموختگان عزیز، و میهمانان گرامی سلام و درود بر شما. ابتدا به همه شما دانش‌آموختگان عزیز خسته نباشید می‌گویم و موفقیت شما را تبریک عرض می‌کنم. از فارغ‌التحصیلان عزیز می‌خواهم که به پا خاسته و والدین، خانواده، دوستان و استادانی را که به نحوی در زندگی و موفقیت آنها نقش داشته‌اند، مورد تشویق قرار دهند. (حالا برای سلامتی خود و همه این عزیزان صلواتی ختم کنید).

معمولاً مراسم و جشن فارغ‌التحصیلی مراسمی ویژه و سمبولیک و همراه با شادی است که پایان یک مرحله از زندگی و شروع مرحله‌ای دیگر را نوید می‌دهد. اما امسال این مراسم مصادف است با جشن‌های روز معلم و استاد که خوشحالی و تبریکات ما را دو چندان می‌کند.

این پنجمین سالی است که به اقتضای مسئولیت‌م در جشن فارغ‌التحصیلی مطالبی را به عرض می‌رسانم. امروز روز بزرگ و پر خاطره‌ای برای شما و خانواده‌هایتان است. امروز همچنین روز بزرگی برای من و اساتید و سایر مسئولین دانشگاه است. بسیار خوشحالم که امروز شاهد به ثمر نشستن تلاش‌های شما هستم. امروز نزدیک به ۱۶۰۰ نفر در مقاطع مختلف تحصیلی (کارشناسی تا دکتری) فارغ‌التحصیل می‌شوند.

این روزها، روزهایی است که خیلی از شما با آینده خود دست و پنجه نرم می‌کنید. قطب‌نمای زندگی شما جهت‌های گوناگونی دارد. برخی به سمت اشتغال و کسب و کار، و تشکیل خانواده، و برخی به سمت ادامه تحصیل در داخل یا خارج از کشور.

**مهم این است که در هر یک از این جهت‌گیری‌ها، فضایی را برای خدمت به جامعه، شهر، و کشور عزیزمان ایران در نظر بگیرید. و به نحوی دین خود را به همین جامعه که تا به امروز شما را مورد حمایت خود قرار داده، ادا کنید.**

در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۵) هنگامیکه من در امریکا با درجه دکتری از دانشگاه فارغ‌التحصیل شدم، هیچیک از اقوام و خانواده‌ام در کنارم نبودند تا در مراسم فارغ‌التحصیلی‌ام شرکت کنند. از اینرو بسیار خوشحالم که شما امروز در کنار خانواده و دوستان خود این موفقیت را جشن می‌گیرید. بنابراین امروز تصمیم دارم مقداری درباره زندگی خود با شما صحبت کنم. امیدوارم قسمتی از نکاتی که بدان اشاره می‌کنم نیز با زندگی شما مرتبط باشد.

در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۵) هنگامیکه در جشن فارغ‌التحصیلی شرکت کردم، مصادف بود با حملات موشکی عراق به نقاط مختلف ایران و درگیری نیروهای آمریکایی با سکوهای نفتی در خلیج همیشه فارس، و عدم

دسترسی به سیستم اطلاع‌رسانی امروزی نظیر اینترنت و .... ما دانشجویان ایرانی خارج از کشور تنها اطلاعات خود را در خصوص جنگ و وضعیت کشور از طریق خانواده، اخبار یک جانبه تلویزیونی و روزنامه‌های ایران (آنهم با دو هفته تأخیر) دریافت می‌کردیم. با این حال عمده دانشجویان علاقمند به تحولات ایران، با سعی و تلاش فراوان اوضاع و اخبار کشور را دنبال می‌کردند. اکثریت دوستان برای تکمیل کردن تحصیلات و بازگشت به کشور و خدمت به ایران و ایرانی روزشماری می‌کردند. تب و تاب عجیبی در بین دوستان و همدوره‌ای‌ها در این خصوص برپا بود. می‌توانم دقیقاً حدس بزنم که شرایط مشابهی را بسیاری از استادان پیشکسوت امروز که همزمان با وقوع انقلاب اسلامی تحصیلاتشان در خارج از کشور تمام شد، تجربه کردند و با تب و تاب فراوان برای بازگشت به کشور و خدمت به ایران عزیز روزشماری می‌کردند و بسیاری هم آمدند و مشغول کار و تلاش شدند.

**در اینجا روی سخنم به آن دسته از عزیزانی است که واژه Apply را انتخاب کرده‌اند، اگرچه ادامه تحصیل قطعاً مورد تأیید و حمایت است، منتها همانطور که گذشتگان آمدند و تلاش کردند تا شما عزیزان امروز بر این صندلی‌های پر افتخار بنشینید، ما نیز انتظار داریم که شما هم یک روزی پس از پایان تحصیلات و کسب تجربه برگردید و فرزندان و نوه‌های ما را آموزش دهید و در آبادانی ایران عزیز سهیم باشید.**

### **ما بکاریم و دیگران بخورند**

### **دیگران کاشتند و ما خوردیم**

من در سال ۱۳۶۶ به عنوان عضو هیأت علمی به شریف آمدم. هنگامیکه به شریف آمدم اطلاعات زیادی راجع به این دانشگاه نداشتم. در شریف با بهترین دانشجویان و همکاران دنیا آشنا شدم. شریف پنجره من به آموزش عالی ایران شد و پایه زندگی آکادمیک من نیز در این دانشگاه ریخته شد. با اینکه تمامی گذشته و تجربه تحصیلات دانشگاهی‌ام در یک کشور بیگانه شکل گرفته بود، به سادگی توانستم با محیط شریف اخت شوم. و همواره مدیران دانشگاه در مقاطع زمانی مختلف مشوق فعالیت‌هایم بوده‌اند تا اینکه امروز بیش از ۵ سال و نیم است که در معاونت آموزشی دانشگاه در خدمت شما عزیزان هستم.

تجربه کاری من در شریف نه تنها امکان ارتباط منطقی با دانشجویان، استادان، و کارکنان زحمتکش را برایم فراهم کرد، بلکه تا حدودی فرهنگ شریفی را نیز به من القا نمود.

در این شرایط بسیار حساس که خیلی از ما نگران ارزشها و جهت‌گیری حال و آینده کشورمان هستیم، بنده همچنان معتقدم که: اگر چه مشکلات بسیاری در امور داخلی و بین‌المللی کشور ما وجود دارد، منتها تمامی این مشکلات با تلاش، برنامه‌ریزی و خردورزی شما، مسئولین و مردم عزیز قابل حل هستند. ایران از همه نظر یکی از بهترین کشورهای منطقه و آسیا با منابع زیرزمینی و انسانی ارزشمند است. ایران کشوری است که پتانسیل و جاذبه‌های بسیاری برای تحول و رشد در همه زمینه‌های علمی را داراست.

بسیاری از شما نمونه‌هایی ارزشمند و اسنادی محکم برای این ادعا هستید. جالب اینجاست که تنها کشور منطقه هستیم که بانوان آن در این سطوح تحصیل کرده و پا به پای برادران خود در کلیه مشاغل کشور فعالند.

اما با فرصتی که همه شما برای تحصیل در ایران و بویژه شریف داشته‌اید، مسئولیت هم همراه است، و آنچه که در دانشگاه یاد گرفته‌اید را باید به مرحله عمل برسانید.

ما نمی‌توانیم از مسائل و مشکلات کوچک و بزرگ کشورمان شانه خالی کنیم و در برابر آنها بی‌تفاوت باشیم. راه‌حل بسیاری از مشکلات اقتصادی و صنعتی و رفاهی مردم به دست من و شماست. من اصلاً اعتقادی به این ضرب‌المثل ندارم که می‌گویند "یک دست صدا ندارد". منظور اینکه تک تک شما می‌توانید در مسائل و امور کشور تأثیرگذار باشید.

استادان و مدیران دانشگاه بر این باورند که همگی شما عزیزان هم می‌توانید و هم قادرید پروژه‌هایی بسیار بزرگ را در کشور هدایت و به انجام برسانید، همانطور که سابقه حضور فعال فارغ‌التحصیلان این دانشگاه در کلیه صنایع مهم و کلیدی کشور بوضوح مشهود است.

البته انسان همیشه در طول زندگی به اوقات سختی بر می‌خورد که احساس می‌کند به بن‌بست رسیده است، و راه برگشت هم ندارد. اما اجازه بدهید به عنوان کسی که حداقل یکی دو بار در طول زندگی تجربه چنین وضعیتی را داشته است به شما عرض کنم: هر وقت که چنین شرایطی برایتان پیش آمد به این موضوع فکر کنید که: انسانها تنها یک بار بدنیا نمی‌آیند و آن هم فقط زمانی نیست که از مادر متولد می‌شوند، بلکه زندگی آنها را وادار می‌کند که مکرراً خود را دوباره متولد کنند. زمان، تجربه، دانش، آموزش، عشق، ارزشها، همگی می‌توانند بر ما تأثیرگذار باشند و منشاء تغییر در ما گردند، و ما را قادر سازند تا خود را مجدداً خلق کنیم.

برای من، مادر بزرگ خدا بیمارزم که در طول زندگی زحمت زیادی برایم کشید، اولین معلم بود. اگر چه خواهران ناتنی‌اش تا حد پزشکی فرصت تحصیل یافتند، اما او سواد خواندن و نوشتن نداشت، و در ابتدای زندگی و در کنار نامادری سختی بسیار کشید. اطلاعات زیادی راجع به بسیاری از نقاط ایران و جهان نداشت. قطعاً راجع به شریف و دانشگاه و محیط‌های علمی هم چیزی نمی‌دانست. تنها فکر و ذکرش، خدا، کلام خدا، پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) و شهرهای مذهبی بود که در جلسات مذهبی آموخته بود. بسیار صبور و با شخصیت بود. با وجودی که از زرق و برق‌های زندگی دنیوی بی‌بهره بود، او به من آموخت آنچه که یک مرد و زن را می‌سازد، شخصیت و سیره اوست. او سعی کرد با شخصیتی خالص، با تکریم، با وقار، با درستی و کمال دروس اخلاقی زندگی را به من بیاموزد. او برای من بهترین مثال و مفهوم زنده از شخصیت و سیره خوب بود. با وجود تمام سختی‌هایی که در طول زندگی متوجه او شد، هیچوقت به درستی و نیکوکاری بدگمان نشد، هیچوقت ارزشهایش را ترک نکرد، و هرگز با شأن خود مصالحه نکرد. در واقع، فکر می‌کنم که او به من آموخت که عزت و شأن انسان قابل مذاکره و مصالحه نیست. نتیجه اینکه

**شهرت، اعتبار، و آبروی شما قابل معامله و فروشی نیستند و نباید به صورت پیش پرداخت برای جاه طلبی و رسیدن به آرزوهایتان مورد استفاده قرار گیرند.**

با اطمینان به شما عرض می‌کنم که در سالهای پیش‌رو، با افرادی آشنا خواهید شد که قدرتمندتر از شما، با هوش‌تر از شما، و حتی خوش‌تیپ‌تر و زیباتر از شما هستند. اما آنچه که شما را بوضوح متمایز و مشهور می‌سازد، شخصیت، سیره، رفتار و سلوک شماست.

هیچکس زندگی را بدون مواجهه شدن با موانع، دلشکستگی، و مشکلات طی نکرده است. هیچکس نمی‌تواند بدون تجربه و اشتباه کردن و یا مسیر غلط، زندگی را طی کند. هیچکس نمی‌تواند از بیماری فرار کند، و یا مانع از فکر و خیال شکست در زندگی شود. روبرو شدن و ساختن با موفقیت بسیار آسان است. اما اینکه چگونه با بدبختی، شکست، و عقب‌گرد در زندگی روبرو می‌شوید، و آنرا تحمل می‌کنید آشکار کننده شخصیت واقعی شماست. اینکه چقدر زرننگ و چابک هستید تا بتوانید پس از یک مصیبت و شکست کوچک یا بزرگ دوباره روی پای خود بایستید، و سختی‌ها را تبدیل به فرصت و موقعیت کنید، تضمین‌کننده موفقیت شما در زندگی است.

**اما دوستان من،**

شریف، شما را برای شروع سفری مهیج آماده کرده است. راه‌هایی را برای ادامه زندگی، موفقیت، و خدمت به جامعه به شما نشان داده است. شما نه تنها در شریف آموزش دیدید، بلکه حرفه و اعتماد به نفس لازم را برای ورود به بازار کار و دنیای واقعی کسب نموده‌اید. **اما باید یادآوری کنم که چه بخواهید و چه نخواهید، برای آنکه باقی بمانید و پیشرفت کنید، شما باید آموزش و یادگیری را در طول عمر همراه خود داشته باشید و همواره دانشجو باشید.**

امیدوارم شما همچنان که نردبان موفقیت را بالا می‌روید، همواره به یاد قول و قرارها (با آنهایی که به شما خیلی کمک کردند و از شما انتظاراتی دارند) هم باشید.

در پایان، تمایل دارم حفظ ارتباط با تاریخ را به شما یادآوری کنم. سعی کنید به نظرات و توصیه‌های افرادی که قبل از شما وارد دنیای واقعی شدند هم توجه کنید. والدین، پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها و غیره، و کلیه کسانی که تلاش کردند اجداد خوبی برای شما باشند.

به عنوان یک معلم، و دانشجو (چون اعتقادی به واژه فارغ‌التحصیلی ندارم)، باید یادآوری کنم حال و یاد آینده نزدیک نوبت شماست که خوبی‌ها را جبران کنید. شما نیز باید یاد بگیرید که اجداد خوبی برای آیندگان باشید.

**دانش‌آموختگان سال ۱۳۸۵:**

مراسم امروز، آغازی است برای بسیاری از آغازهای شما. حتماً مراسم دیگری را در زندگی پیش‌رو خواهید داشت. آینده با آغوش باز در انتظار شماست. خانواده دانشگاه صنعتی شریف عمیقاً به شما و دستاوردهای شما که با فارغ‌التحصیلی امروز همراه است، افتخار می‌کند و به خود می‌بالد. شکی نیست که موفقیت‌های بزرگ‌تر پیش‌روی شماست. ما را هم به خاطر داشته باشید.